

کتابخانه‌های عمومی و ساخت واقعیت اجتماعی

احمد پارسازاده (نویسنده مسئول)

کارشناس ارشد معارف اسلامی و مدیریت بازرگانی دانشگاه امام صادق (ع)

Ahmad_Parsazadeh@yahoo.com

مهدی شقاقی

کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه تهران

Mhd.Shaghaghi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۴/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۹/۲۵

چکیده

در این نوشتار با بیان رهیافت‌های نظری که بن‌مایه‌های معرفت-روش‌شناختی نحوه‌ی مواجهه و تفسیر پدیده‌های اجتماعی را توضیح می‌دهد، با اتخاذ رهیافت ساخت‌گرایی اجتماعی که جان‌مایه‌ی آن با اثر معروف پیترو برگر و توماس لاکمن به اوج خود رسید و تلفیق و جوه مشترک آن با سایر رهیافت‌های تفسیری و با عنایت به زمینه‌هایی از مباحث زبان‌شناختی اجتماعی و با استفاده از روش سندی، کارکرد کتابخانه‌های عمومی در چگونگی ساخت سازه‌های مطلوبی چون هویت ملی، خودباوری، وحدت ملی، اجتناب از غربزدگی، و ... جهت اتخاذ و تعیین موقعیت استراتژیک کتابخانه‌های عمومی برای سیاست‌گذاری در این حوزه بیان شده است.

کلیدواژه‌ها: کتابخانه‌های عمومی، ساخت‌گرایی اجتماعی، نظام نشانه-معناشناختی، حوزه‌ی عمومی،

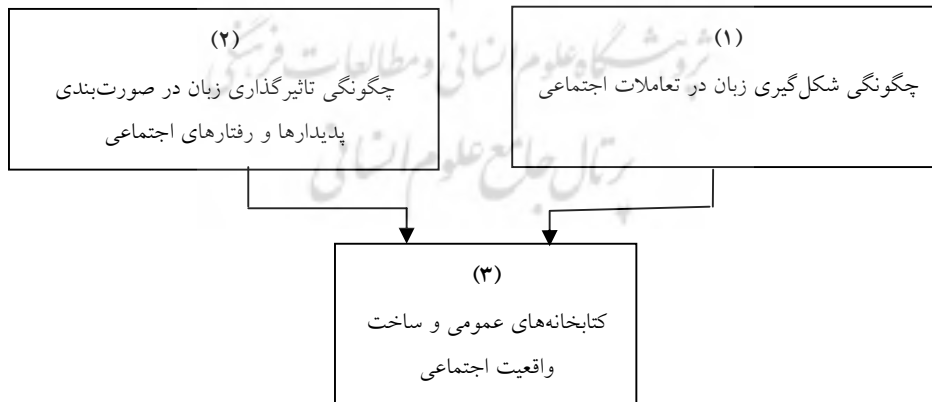
کنش ارتباطی

مقدمه

در این مقاله نشان خواهیم داد که پدیدارهای مطلوب اجتماعی از جمله هویت ملی، خودباوری، وحدت ملی، و ... چگونه ماهیت زبان‌شناختی در زمینه‌ی اجتماعی دارد و چگونه در کنش زبانی- اجتماعی صورت‌بندی می‌شود و البته نقش و مأموریت نهادهای فرهنگی از جمله کتابخانه‌های عمومی، می‌تواند در صورت‌بندی زبانی- اجتماعی سازه‌های مطلوبی چون خودباوری، خوداتکایی، وحدت ملی، نفی غربزدگی و ... اثر گذار باشد.

مدعای اصلی این نوشتار آن است که نشان دهد چگونه کتابخانه‌های عمومی می‌توانند با پراکنش (پخش) نشانه‌های زبانی- اجتماعی، رفتار اجتماعی شرکت‌کنندگان حوزه عمومی را صورت‌بندی کرده و به ساخت واقعیات اجتماعی که به نحو تعاملی و بین‌الذهانی ساخته می‌شود، یاری رسانند. مقاله حاضر از نوع تحلیلی است و از روش سندی^۱ و اتخاذ رهیافت ساخت‌گرایی اجتماعی^۲ در پرداختن به اندیشه‌های نظری مطرح در تحلیل حاضر استفاده شده است. لوازم این مدعا پاسخ به پرسش‌های زیر است که عبارتند از:

- ۱- زبان چگونه در تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد؟
- ۲- زبان اجتماعی چگونه در صورت‌بندی پدیدارها و رفتارهای اجتماعی موثر است؟
- ۳- کتابخانه‌های عمومی چگونه می‌توانند در حوزه‌ی عمومی مشارکت فعال داشته و زبان



نمودار ۱. مدل عملیاتی پژوهش

1. Documentary Research

2. Social Constructivism

و رفتار اجتماعی را در جهت ساخت سازه‌های مطلوبی چون خودباوری، خوداتکایی، وحدت ملی و ... هدایت کنند؟

۱. زبان و تعاملات اجتماعی

۱-۱. تحویل فلسفه به زبان و تحویل زبان به ارتباطات اجتماعی

بررسی رابطه میان زبان و واقعیت اعم از اینکه واقعیت امری طبیعی و یا مابعدالطبیعی قلمداد شود، از دیرباز مورد توجه فیلسوفان قرار گرفته است. در تصور عمومی و غالب، زبان به مثابه ابزاری برای بیان معانی تلقی شده است. در این رهیافت، زبان جدای از واقعیت انگاشته می‌شود؛ به نحویکه اگر زبان وجود نداشت و هیچ لفظی ساخته نمی‌شد، واقعیت فارغ از زبان وجود داشت. زبان به مثابه تور گسترده‌ای است که واقعیت آفاقی^۱ و بیرونی را در بر می‌گیرد و هر چه منعطف‌تر و سیال‌تر واقعیت آفاقی را تصویر کند، بلیغ‌تر و فصیح‌تر است.

ویتگنشتاین^۲ دوره‌ی متقدم که فیلسوفی تحلیل‌زبانی بود، نظریه تصویری^۳ معنا را طرح کرد. در نظر وی زبان طبیعی که باید به زبان منطقی تقلیل داده شود، تصویرگر معنا است و معنا همان ابژه‌های آفاقی هستند که در خارج بدان اشاره می‌کنیم. وی با زیر سؤال بردن نظر غالب در میان فیلسوفان، مبنی بر اینکه کلمات جایگزین اشیاء و اندیشه‌ها هستند، استدلال کرد که زبان صرفاً تصویری از اشیاء خارجی است و تصویر^۴ نمی‌تواند نمایانگر تمام ابعاد یک شیء باشد (ویتگنشتاین، ۲۰۰۹). این بدان معنی است که زبان در بیان واقعیت بی‌طرف نیست.

دستاورد شگرف نظریه‌ی ویتگنشتاین دوره متقدم برای علم‌پرستان - که معروف به حلقه‌ی وین و مشهور به نحله‌ی پوزیتیویست‌های منطقی بودند - نظریه‌ی تحقیق‌پذیری معنا^۵ بود. این نظریه که بر مبنای نظریه تصویرگری واقعیت بنیان شده بود، چنین فرض می‌کرد که تنها آنچه را که بتوان راجع به آن تحقیق تجربی کرد، معنادار است. بنابراین، آنچه را که نتوان به رد یا به اثبات مشاهده نمود، اساساً مهمل است (هوشیار، ۱۳۸۳، ص ۱۷۱).

ویتگنشتاین همانطور که بنیان‌ساز مکتب پوزیتیویسم منطقی بود، با چرخش فکری مواجه شد به نحویکه دوره‌ی دوم فکریش، بنیان‌سوز پوزیتیویسم گردید. ضربات مهلک ویتگنشتاین به

1. Objective reality
4. A picture

2. Wittgenstein
5. Verification of meaning

3. Picture theory of meaning

حلقه‌ی وین چنان عمیق و گسترده بود که نه تنها پوزیتیویست‌های منطقی، بلکه مکتب فلسفی تحلیل‌زبانی آنگلو ساکسون را به تجدیدنظر جدی در بنیان‌های فلسفی‌شان کشاند. ضربات مهلک مورخ و فیلسوف شهیر علم توماس کوهن^۱ نیز اثبات‌گرایان منطقی را به ورطه‌ی نابودی کشاند (زیباکلام، ۱۳۸۲، ص ۱۲-۱۳).

ویتگنشتاین در دوره‌ی اول زندگی فلسفی‌اش، زبان را جهت اشاره و نامگذاری برای عالم خارج قلمداد می‌کرد؛ اما در دوره‌ی دوم فکریش، زبان را با نحوه‌ی مفاهمه و ارتباطات کنشگران اجتماعی پیوند زد. ویتگنشتاین معتقد بود که اساساً زبان معطوف به اقدام و کنشی متناظر با آن است. وی در این مورد مثال بنا و شاگرد را می‌زند و می‌گوید شاگرد بنا، با شنیدن هر لفظی از استاد خویش، اقدامی متناظر با آنرا انجام می‌دهد. برای مثال با شنیدن لفظ «نیمه» با وی وارد بازی زبانی شده و می‌فهمد که «نیمه‌ی آجر» مدنظر است و درخواهد یافت که باید اقدامی انجام دهد و نیمه‌ی آجر را پرتاب کند (جوزف^۲ و دیگران، ۲۰۰۱).

وی با اشاره به استعاره‌ی «بازی‌های زبانی»^۳ معتقد است که افراد با شنیدن الفاظ تنها در بافت اجتماعی خاصی که با مخاطب خویش وارد بازی شده‌اند، می‌توانند معنای دقیق الفاظ را فهم کنند. این بدان معنی است که «معنا» در بازی‌های زبانی دیگر تفاوت خواهد داشت. وی به جای عبارت «بافت اجتماعی-فرهنگی» استعاره‌ی «صورت‌های زندگی»^۴ را به کار می‌برد. در نظر وی صورت‌های زندگی گوناگون دارای بازی‌های زبانی متفاوت و در نتیجه معنا و قواعد خاص خود هستند. وی می‌گوید اگر قصد فهم معنا را داشته باشیم، باید قواعد بازی زبانی صورت‌های مختلف زندگی گروه‌ها و افراد را تجربه کنیم (ویتگنشتاین، ۱۹۵۳). وی در دوره‌ی دوم فکریش به رابطه‌ی میان زبان و ارتباطات اجتماعی سازندگان زبان اشاره می‌کند و بر این نکته تأکید می‌کند که زبان با نحوه‌ی بکارگیری و استعمالش با کنشگران اجتماعی ساخته می‌شود.

۱-۲. تجربیات زبانی و زندگی روزمره اجتماعی

برگر و لاکمن^۵ که از بنیانگذاران نظریه‌ی ساخت‌گرایی در جامعه‌شناسی شناخت هستند

1. Thomas S. Kuhn
4. Form of life

2. J. E. Joseph et al
5. Peter L. Berger and Thomas Luckmann

3. Language game

معتقدند که زبان مشترکی که برای عینیت بخشیدن به تجربه‌هایمان در اختیار داریم بر بنیاد زندگی روزمره استوار است و حتی زمانی که زبان را برای تفسیر تجربه‌ها برای بیان معانی بکار می‌بریم اشاره به واقعیت زندگی روزمره است (برگر و لاکمن، ۱۳۷۵، ص ۴۲). بنابراین در رهیافت‌های تفسیری، با نفی «شیء‌انگاری»^۱ روش‌های اثبات‌گرا در تبیین پدیدارهای اجتماعی^۲، معتقد است معنا با تعامل تولیدکننده‌ی نشانه و گیرنده‌ی پیام در زمینه و سیاق زبانی زندگی روزمره عمومی شکل می‌گیرد. در عین حال باید توجه داشت که نشانه‌ها بعد از آنکه توسط تولیدکننده، تولید شدند در حوزه‌ی عمومی^۳ و زمینه‌ی فرهنگی خاصی تفسیر می‌شوند. به عبارت دیگر، نشانه‌ها به نحو منفرد و تکه‌تکه در حوزه‌ی عمومی پرتاب نمی‌شوند بلکه بعد از آنکه تولید شدند، در زمینه‌ای خاص قرار می‌گیرند. با این توصیف، کنترل تفسیر نشانه‌ها به نحوی که همان معنایی که تولیدکننده از آن در نظر داشته است، اگر ناممکن نباشد بسیار دشوار است. در این رهیافت، نشانه‌ها در متن بازی اجتماعی قابلیت تفسیر پیدا می‌کنند. می‌توان چنین نتیجه گرفت رابطه‌ای دوسویه میان جهان معانی و جهان خارج برقرار است؛ بدین معنی که همانطور که زبان تجربیات مردمان در مورد واقعیت زندگی روزمره را ترجمه می‌کند، واقعیت زندگی نیز در قالب زبان به نظم درآورده می‌شود. اینکه در زندگی روزمره با اشیاء یا اعیان خارجی مواجه هستیم یا خیر مسئله مهمی نیست؛ آنچه که اهمیت دارد آن است که ما با نشانه‌ها سروکار داریم و در معرض بمباران نشانه‌ها قرار داریم. آنچه که مربوط به آدمیان در زندگی روزمره است آن است که آنها به تفسیر نشانه‌ها می‌پردازند. اما نباید تصور شود که افراد فارغ‌البال و با آزادی و خودمختاری کامل، نشانه‌ها را تفسیر می‌کنند. نشانه‌های کنونی همراه با نشانه‌های پیشین و توأم با زبان خاصی که برای تفسیر نشانه‌ها بکار گرفته می‌شود، در تفسیر پدیدارهای اجتماعی به ما کمک می‌کنند.

۳-۱. رابطه دوری نشانه-معنا و نقش زبان اجتماعی

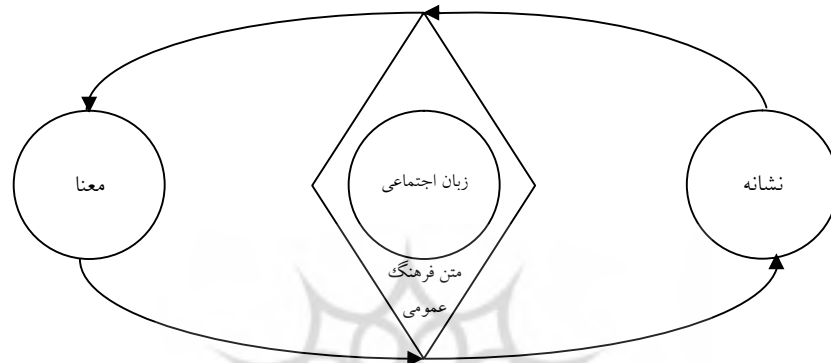
در شکل ۲ از طرفی به رابطه‌ی دوسویه‌ی میان نشانه زبان اجتماعی که حاصل کنش ارتباطی، تعاملات بین الازدھانی و معاشرات متقابل افراد است تکیه شده است و از طرفی چنین

1. Reification

2. Social phenomenon

3. Public sphere

بیان می‌کند که نشانه‌ها از طریق زبان اجتماعی شکل گرفته، در زمینه و بافت ارتباطات اجتماعی معنادار می‌شوند.



شکل ۲. رابطه دوری نشانه-معنا و نقش زبان اجتماعی

این بدان معناست که در فضای گفتمانی جامعه با تغییر زبان اجتماعی، تفسیر متفاوتی از نشانه‌های پیشین شکل می‌گیرد، همچنین برخی نشانه‌ها قادرند که زبان اجتماعی را تغییر داده و معناساز باشند. این شکل نشان می‌دهد که زبان صرفاً ابزار انتقال معنا نیست. بلکه جزئی از فرایند تفسیر معنا باید تلقی شود.

۲. زبان و صورت‌بندی پدیدارهای اجتماعی

۱-۲. نقش زبان اجتماعی در مطالعات فرهنگی

به اعتقاد لویی اشتراوس^۱، مهمترین پدیده فرهنگی زبان است (کازنو، ۱۳۶۷، ص ۶۴). بدون نشانه‌ها، اصلاً فرهنگ به وجود نمی‌آید. نشانه‌ها تجلی آفاقی معانی هستند. این بدین معنی است که فرهنگ خصوصاً فرهنگ در عرصه‌ی عمومی از تفسیر جمعی نشانه‌ها ساخته می‌شود. نشانه‌ها از حیث اینکه دلالت گر معنا هستند در فرایند کنش اجتماعی نهادینه و تثبیت می‌شوند به نحویکه برخی از این نشانه‌ها چنان تثبیت و تقویم می‌یابند که جزء مقوم تمدن قرار می‌گیرند؛ بطوریکه امکان تفسیر و قرائت دیگری از این نشانه‌ها نیست. ارائه تفسیر یا قرائت دیگر مخالفت با تمدن تلقی می‌شود.

1. Louis Strauss

مطالعه پدیدارهای فرهنگی به مثابه نشانه تلفیقی از رهیافت تفسیری با زمینه‌هایی از گرایش زبان شناختی اجتماعی است؛ بدین معنی که از آنجایی که نباید پدیدارهای فرهنگی را به مثابه اشیاء آفاقی بنگریم که اگر چنین کنیم دچار مغالطه آسیب‌زای شیء انگاری شده‌ایم، باید آنها را به مثابه نشانه‌هایی معنامند دانست که در بافت تعاملات و واکنش‌های ارتباطی افراد ساخته و معنادار می‌شوند. مطالعه نشانه‌ها، در گشایش سطوح پنهان زندگی روزمره نقش بسزایی دارند. شبکه معانی بر اساس الگوهای زندگی افراد شکل می‌گیرند و فهم فرهنگ، در واقع فهم زندگی روزمره عمومی افراد است (گریتز^۱، ۱۹۷۷، ص ۱۴).

۲-۲. زبان شکل دهنده رفتار اجتماعی

برخی از زبان‌شناسان معتقدند شناخت ما از جهان خارج را تا حدی رفتار زبانی شکل می‌دهد و رفتار زبانی انسان به نوبه خود براساس شناخت وی از دنیای بیرون نمود می‌یابد. به عنوان مثال بعضی از بی‌احتیاطی‌ها که منجر به آتش‌سوزی می‌شود احتمالاً به خاطر نوع کاربرد زبان است بدین شرح که افراد با رویت "مخزن‌های بنزین" رفتار احتیاط‌آمیزی از خود بروز می‌دهند ولی مشاهده مخزن‌های خالی بنزین، موجب بروز چنین رفتار محتاطانه‌ای نمی‌شود در صورتیکه میزان اشتعال‌پذیری مخزن‌های خالی بنزین پر از گازهای آماده اشتعال بیشتر می‌باشد. پس افراد می‌بایست رفتار احتیاط‌آمیز بیشتری در کنار مخزن‌های خالی بنزین نشان دهند؛ اما کلمه "خالی" موجب می‌شود تا افراد از خود بی‌احتیاطی نشان دهند (وُرف^۲، ۱۹۵۶، ص ۱۳۵-۱۳۷). این مسئله نشان می‌دهد که علت بعضی از رفتارهای اشتباه را می‌بایست در کاربرد گمراه‌کننده زبان جستجو کرد.

یکی از زبان‌شناسان اجتماعی معتقد است که بسیاری از واقعیت‌ها ساخته و پرداخته زبان بوده و کاربرد طبقاتی زبان عموماً واقعیت‌ها را به نفع طبقه‌ی حاکم جامعه، وارونه جلوه می‌دهد. وی از دیدگاه ورف مبنی بر این که زبان نه تنها منعکس‌کننده واقعیت‌ها است بلکه سازنده‌ی آنها نیز می‌باشد، استقبال می‌کند اما بر جنبه‌های اجتماعی و کاربردی مقوله‌های دستوری زبان

1. Clifford Greetz

2. B. C. Whorf

بیشتر تأکید دارد (عموزاده مهدیرجی، ۱۳۸۳، ص ۱۴).

۲-۳. صورت‌بندی معنا در حوزه عمومی

قبل از بیان نحوه‌ی شکل‌گیری معنا و نشانه‌های زبانی در حوزه‌ی عمومی لازم است دو اصطلاح «حوزه‌ی عمومی» و «زیست‌جهان» توضیح داده شود.

۲-۳-۱. زیست‌جهان

زیست‌جهان الگوهای تفسیری است که از طریق عناصر فرهنگی انتقال یافته و با منبع زبانی سازمان گرفته است. زبان و فرهنگ از اجزاء و عناصر مقوم و سازنده‌ی زیست‌جهان به شمار می‌روند (نوذری، ۱۳۸۱، ص ۱۳۸۳). زیست‌جهان آن چنان افق معنایی است که در فرآیند کنش‌های ارتباطی شکل گرفته و اکنون به صورت پس‌زمینه در هر کنش ارتباطی عمل می‌کند؛ افراد نمی‌توانند پای خود را از زیست‌جهان بیرون بگذارند، زیست‌جهان، ماحصل ذخایر انباشته تجربه ماقبل علمی است (هولاب^۱، ۱۳۷۵، ص ۵۸). زیست‌جهان همان حوزه‌ی فراعلمی است که وفاق و اجماع در کنش‌های ارتباطی مبتنی بر هنجارهای برگرفته شده از آن بدست می‌آید (هولاب، ۱۳۷۵، ص ۶۳).

۲-۳-۲. حوزه عمومی

هابرماس در این مورد می‌گوید: منظور ما از حوزه‌ی عمومی^۲ در وهله اول قلمروی از زندگی اجتماعی ماست که در آن چیزی شبیه به افکار عمومی می‌تواند شکل گیرد. دسترسی به این قلمرو برای تمامی شهروندان تضمین شده است. در هر گفتگویی که در آن افراد خصوصی گرد هم آیند تا پیکره‌ای عمومی^۳ را شکل دهند، بخشی از حوزه‌ی عمومی شکل می‌گیرد. در چنین شرایطی رفتار افراد نه شبیه رفتار تجار یا افراد حرفه‌ای است که در مورد امور شخصی به

1. Robert C. Holub

۲. مفهوم حوزه عمومی (Public Sphere) از نظر هابرماس را نباید با مفهوم «عموم»، یعنی افرادی که گرد هم می‌آیند، یکی دانست. مفهوم موردنظر او متوجه نهاد است که البته از طریق مشارکت مردم شکلی انضمامی به خود می‌گیرد. به هر رو نمی‌توان آن را صرفاً انبوهی از مردم دانست.

3. Public body

تبادل نظر می‌پردازند، و نه شبیه رفتار اعضای موسسه‌ای قاعده‌مند است که تابع محدودیت‌های حقوقی بوروکراسی دولتی‌اند. شهروندان هنگامی به مثابه پیکره‌ای عمومی رفتار می‌کنند که به شیوه‌ای بی‌قید و شرط و آزاد به تبادل نظر - یعنی با تضمین آزادی گردهم‌آیی و مراد و آزادی بیان و انتشار عقایدشان - درباره‌ی علایق عام پردازند. در پیکره‌ی عمومی وسیع این نوع از ارتباط مستلزم ابزار خاصی برای انتقال اطلاعات و تأثیرگذاری بر گیرندگان این اطلاعات است. امروزه روزنامه‌ها و مجلات و رادیو و تلویزیون رسانه‌های حوزه عمومی هستند (هابرماس^۱، ۱۳۸۱).

۲-۳-۳. چگونگی شکل‌گیری و شکل‌دهی معنا - نشانه در حوزه‌ی عمومی

معنا و کنش متناظر و متقابل آن در حوزه‌ی عمومی اتفاق می‌افتد. در حوزه‌ی عمومی، با تکرار عامل‌ها و کارگزاران^۲ معنا بخش مواجه هستیم. در حوزه عمومی با انواع نشانه‌ها، گوناگونی رفتار و زبان اجتماعی و انواع معنا مواجه هستیم.

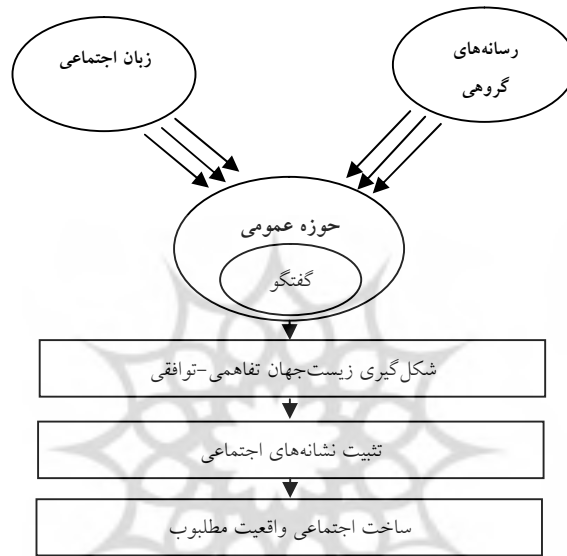
آنچه که در گروه‌ها و مجموعه‌های مختلف باعث می‌شود از تکرار تفاسیر و تعدد و از هم پاشیدگی تفاسیر از نشانه‌های متعدد، جلوگیری شود و نظم معینی از تفسیر نشانه‌ها در حوزه‌ی عمومی به وجود آید، زبان مشترک است. زبان مشترک اجتماعی در حوزه‌ی عمومی را صرفاً نمی‌توان به ابژه‌ای قابل محاسبه و مشاهده‌ی تجربی تقلیل داد. زبان اجتماعی طی فرایندی تعاملی در زمینه‌ای فرهنگی به تفهم جمعی و اشتراک همگانی می‌رسد.

حوزه‌ی عمومی فرصتی را برای مشارکت در تسهیم نشانه‌ها فراهم می‌کند. تسهیم نشانه‌ها در حوزه‌ی عمومی، امکان گفتگو و تفاهم را فراهم می‌کند. در حوزه‌ی عمومی امکان بکارگیری زبان مشترک اجتماعی فراهم می‌آید و این دقیقاً محل ورود کتابخانه‌های عمومی جهت تأثیرگذاری و ساخت سازه‌های مطلوبی چون خودباوری، وحدت ملی، غرور ملی و غیره در زیست‌جهان است؛ به نحوی که کتابخانه‌های عمومی بتوانند با تدوین سیاست‌های خاصی وارد گفتگو در حوزه‌ی عمومی شده و با نشانه پراکنی، طی مراحل تدریجی، زبان اجتماعی مشترک را در جهت ایجاد هر چشم‌انداز مطلوب در سیطره خویش گیرند. کتابخانه‌های عمومی

1. Jorgen Habermas

2. agents

هم از حیث فضا، هم از حیث در اختیار داشتن منابع اطلاعاتی امکان گفتگوی میان افکار مختلف، تضارب معانی متعدد را فراهم می‌آورند.



شکل ۳. چگونگی شکل‌گیری و شکل‌دهی معنا - نشانه در حوزه

• کتابخانه‌های عمومی به لحاظ سازمانی:

از جنبه‌ی سازمانی، کتابخانه عمومی در مقایسه با کتابخانه دولتی قابل بررسی است. از این لحاظ کتابخانه‌های عمومی در جوامع مختلف و با توجه به نیازهای آنها ساختار سازمانی متفاوتی داشته‌اند. برای مثال، کتابخانه‌های عمومی می‌تواند کاملاً تحت تکفل دولت باشد، با مالیات‌های اخذ شده از مردم اداره شود، به صورت هیأت امناء و کاملاً تحت مدیریت و پشتیبانی مردمی باشد، وابسته به نهادهای دولتی و مردمی باشد، و یا ترکیبی از موارد فوق را در بر بگیرد. به هر حال، کتابخانه عمومی از این لحاظ، کتابخانه‌ای است که با مشارکت مستقیم یا غیر مستقیم مردم اداره می‌شود.

۳-۲. کارویژه‌های کتابخانه‌های عمومی

اهداف، نقش‌ها، و کارویژه‌های مختلفی برای کتابخانه‌های عمومی شمرده شده است. در

کتابخانه‌های عمومی و ساخت واقعیت اجتماعی

بررسی اهداف و کارکردها در کتابخانه‌های عمومی، «هدف اجتماعی مافوق همه چیز است؛ هدف آن ایجاد امکاناتی برای همگان و بر اساس نیازها و موقعیت‌هاست تا بتوانند با دسترسی کامل به کتاب‌ها و پیشینه‌های مربوط به اشکال گوناگون، از بهره‌گیری آنها لذت ببرند. تکیه‌ی آن بر خدمت در سطح محلی است، زیرا بدرستی باور دارد که باید خدمتش جنبه‌ی محلی داشته باشد. همچنین معتقد است که فرد کتاب خواننده، شهروندی بهتر و سرمایه‌ای ارزنده‌تر برای جامعه خواهد بود. به تمامی موادی که برای فرد و جامعه ارزشمند است توجه دارد و موظف است نه تنها به برآوردن نیازهای موجود، بلکه به برآوردن نیازهای گسترده‌تر آتی مردم پردازد. کتابخانه عمومی به منزله‌ی نهادی اجتماعی که در متن اجتماع کار می‌کند مقام والایی دارد و باید عمدتاً در این متن نیازهای آن مورد تحلیل قرار گیرد» (موکهرجی^۱، ۱۳۸۲، ص ۳۷).

همچنین، «کتابخانه‌های عمومی یک مرجع فرهنگی برای جامعه تلقی می‌شود. نقش این مرجع فرهنگی این است که با قرار دادن افکار، عقاید، و حاصل اندیشه‌های خلاق در کنار یکدیگر، وسیله‌ای برای ایجاد علاقه به مطالعه و تحقیق برای افراد جامعه پدید آورد» (میرحسینی و باب‌الحوائجی، ۱۳۷۵). منشور مشترک ایفلا و یونسکو در زمینه‌ی کتابخانه‌های عمومی اعلام می‌دارد که کتابخانه عمومی مانند نیرویی جاودان برای آموزش، فرهنگ و اطلاعات و عامل اصلی پرورش صلح و سلامت روح از طریق اندیشه‌ی مردان و زنان است. از این رو ایفلا و یونسکو حکومت‌های محلی و ملی را به حمایت فعال از توسعه‌ی آنها تشویق می‌کنند. در این منشور همچنین آمده است که کتابخانه عمومی دروازه‌ای است به سوی دانش که شرایط اساسی را برای یادگیری مداوم، تصمیم‌گیری مستقل، و توسعه‌ی فرهنگی افراد و گروه‌های اجتماعی فراهم می‌آورد (بیانیه کتابخانه عمومی ایفلا و یونسکو^۲، ۱۹۹۴). همچنین، «کتابخانه‌های عمومی کارکردهای مختلفی می‌توانند داشته باشند که کارکردهای کلان کتابخانه‌های عمومی به لحاظ تأثیرگذاری به کارکردهای آموزشی، سیاست‌گذاری اجتماعی، اطلاع‌رسانی، فرهنگی، و اقتصادی قابل تقسیم‌بندی است» (گرینهالک، ورپول، و لاندری^۳، ۱۹۹۵). با مرور آراء مختلف در مورد اهداف و کارکردهای اساسی کتابخانه‌های عمومی به خوبی می‌توان به اهمیت و پر

1 Ajit Kumar Mukherjee
2. The IFLA/unesco Public Library Manifesto
3. Greenhalgh, L., Worpole, K. and Landry, C

رنگ بودن نقش اجتماعی کتابخانه‌های عمومی پی برد.

۳-۲-۱. کتابخانه به مثابه نهادی اجتماعی: کارکردهای اجتماعی کتابخانه‌های عمومی

کتابخانه به مثابه «یک نهاد اجتماعی» تلقی می‌شود که همانند سایر نهادهای اجتماعی مردمی از جامعه تأثیر می‌پذیرد و به جامعه اثر می‌گذارد. اما سطح تأثیرگذاری نهادهای اجتماعی به لحاظ دامنه کارکردها و به لحاظ میزان درگیری‌ای که با آگاهی‌ها و اندیشه‌ها، و دانش مردم دارد متفاوت است. کتابخانه‌های عمومی از جنبه‌ی درگیری با نظام آگاهی‌ها، اندیشه‌ها، و دانش مردم، بطور بالقوه سطح تأثیرگذاری وسیع و در عین حال عمیقی بر روی جامعه دارد که قابل برنامه‌ریزی و بهره‌برداری است.

هنگامی که به کتابخانه‌ی عمومی به مثابه یک نهاد اجتماعی نگریسته می‌شود، این مسئله به اذهان متبادر می‌گردد که این نهاد اجتماعی در کنار و همانند سایر نهادهای اجتماعی، چه کارکردی می‌تواند برای بهبود وضع عمومی جامعه، جامعه‌پذیری، و تقویت هنجارهای ارزشی و بومی مردم داشته باشد. یکی از مفاهیم عمده‌ای که اندیشمندان امروزه وجود آن را برای بهبود و توسعه مسائل یاد شده ضروری می‌پندارند مفهوم سرمایه اجتماعی^۱ است. جاکوب در این خصوص توضیح داد که شبکه‌های اجتماعی فشرده در محدوده‌های قدیمی شهرها صورتی از سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند و در ارتباط با حفظ نظم و نظافت، عدم وجود جرم و جنایت خیابانی و دیگر تصمیمات، در مورد بهبود کیفیت زندگی به کار می‌روند (فوکویاما، ۱۳۷۹، ص ۱۰). در کل سرمایه اجتماعی به معنی هنجارها و شبکه‌هایی است که امکان مشارکت مردم در اقدامات جمعی به منظور کسب سود متقابل را فراهم می‌کند و با شیوه‌هایی همچون سنجش سطح اعتماد اجتماعی و سطوح عضویت در انجمن‌های مدنی رسمی یا غیررسمی قابل اندازه‌گیری است. سرمایه اجتماعی مفهومی ترکیبی است که «موجودی» یا میزان این هنجارها و شبکه‌ها را در یک جامعه و در یک مقطع زمانی خاص تشریح می‌کند. رابطه متقابل، رفتار غیر خودخواهانه و اعتماد نمونه‌هایی از این هنجارها هستند. این شبکه‌ها ممکن است رسمی یا غیررسمی باشند. از این منظر، سرمایه اجتماعی یکی از عناصر مهم قدرت «جامعه مدنی» یا

1. Social Capital

2. Fukuyama

کتابخانه‌های عمومی و ساخت واقعیت اجتماعی

ظرفیت جامعه برای مدیریت خویش از طریق فعالیت‌های گروهی غیررسمی، داوطلبانه، غیردولتی (و غیرانتفاعی) است (تاجبخش و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۱۵۶).

شاید بتوان ایجاد و تکوین سرمایه اجتماعی را به‌عنوان مهمترین کارویژه کتابخانه‌های عمومی برشمرد. کتابخانه‌های عمومی با توجه به تعاریف و اهدافی که از آن یاد کردیم، و با توجه به مصادیقی که سرمایه اجتماعی می‌تواند داشته باشد به‌طور گسترده‌ای پتانسیل شکل‌دهی و تکوین سرمایه اجتماعی را داراست. کتابخانه‌های عمومی به‌عنوان مراکز علم آموزی، یکی از مهمترین نهادهایی است که از آن به‌عنوان پایگاهی برای دستیابی به اطلاعات شغلی، تجاری، و کسب و کار استفاده کرد، می‌تواند به صاحبان حرف و مشاغل مختلف در توسعه و بهبود مسائل اقتصادی زندگی روزمره کمک کرده و به افراد جویای حرفه و شغل در جهت دستیابی به مشاغل و حرفه‌های متناسب با توانایی‌های افراد کمک کند. توسعه و گسترش فرهنگ مطالعه و کتابخوانی هدایت شده که به توسعه‌ی دانش فردی و اجتماعی خواهد انجامید و مهم‌ترین متولی آنرا می‌توان کتابخانه‌های عمومی دانست، رابطه‌ی مشخصی با توسعه‌ی آگاهی‌های عمومی در خصوص شناخت خود و جامعه، شناخت وظایف خود در قبال خانواده و جامعه و بالعکس، و شناخت هویت فردی، خانوادگی، اجتماعی، و ملی دارد. از سوی دیگر، فضای کتابخانه می‌تواند منبعی برای تضارب آراء و ایجاد روابط و گروه‌های درسی، فکری، شغلی، و حرفه‌ای باشد که از طریق آن افراد بتوانند از روابط ایجاد شده از محیط کتابخانه به‌عنوان منبع سرمایه انسانی که تسهیل‌کننده‌ی روابط و ارتباطات انسانی است، بهره‌برند. کتابخانه‌های عمومی هم از حیث منابع اطلاعاتی هدفمندی که در اختیار دارند و هم از حیث فضایی که در اختیار مردم قرار می‌دهند، بهترین امکان را برای ایجاد حس مشارکت و آموزش آن و رعایت حریم و حقوق دیگران فراهم می‌آورند و از طریق مطالعه، تضارب آراء، شرکت در مراسم و فعالیت‌های جمعی مختلفی که خود با استفاده از فضای رایگان کتابخانه‌های عمومی ساماندهی می‌کنند، زمینه‌های ایجاد همدلی و اعتماد میان خود و افراد و جامعه را فراهم می‌آورند. پژوهشگران حوزه‌ی کتابخانه‌های عمومی نشان داده‌اند که دسترسی به فضای فیزیکی و سایر زیرساخت‌های کتابخانه‌های عمومی نوعی تعامل در بین شهروندان ایجاد می‌کند و آنها از طریق این تعامل

احساس سودمندی می‌کنند که باعث ایجاد اعتماد اجتماعی^۱ می‌گردد (ورهیم، استینمو، و آید، ۲۰۰۸). نتیجه‌ی پژوهش دیگری نشان داد که کتابخانه‌های عمومی تعامل، حس برابری، و اعتماد ایجاد می‌کنند و از این رو نقش به‌سزایی در ایجاد سرمایه اجتماعی دارند. از نظر آنها سازوکاری که باعث ایجاد این اعتماد عمومی می‌شود نهاد کتابخانه (نظام کتابخانه) از یک سو و فضای کتابخانه از سویی دیگر است. به عبارت دیگر دو نیروی بالقوه در کتابخانه‌های عمومی برای ایجاد سرمایه اجتماعی وجود دارد: یکی نهادی و مرتبط با خط‌مشی و نظام کتابخانه است و دیگری فضای کتابخانه به عنوان مکان برگزاری جلسات غیررسمی میان افراد (کاکس و دیگران^۳، ۲۰۰۰). با توجه به این یافته‌ها، می‌توان دریافت که از پتانسیل کتابخانه‌های عمومی ایران از حیث منابع دانش، سازماندهی آن، اشاعه‌ی آن و نیز خدمات عمومی به‌خوبی در راستای ایجاد و تکوین سرمایه‌ی اجتماعی استفاده نشده است و صرفاً فضای رایگان کتابخانه به لحاظ محیط امن، دوستانه، تعاملی، و مشارکتی که به‌وجود می‌آورد باعث ایجاد همدلی و اعتماد می‌گردد. از این حیث است که توجه بیشتر به امکان بالفعل کتابخانه‌ها در ایجاد سرمایه‌ی اجتماعی و سرمایه‌گذاری در امکان بالقوه آن (کارکردهای کتابخانه‌ای) مطمح نظر می‌باشد.

۳-۳. نقش رسانه‌های گروهی و ساخت زبان اجتماعی

تردیدی نیست که رسانه‌های مورد استفاده در فرهنگ برای بازنمایی عقاید، بر شیوه‌ی درک دنیا توسط مردمی که در آن فرهنگ زندگی می‌کنند، تأثیر دارند. در واقع این یک دیدگاه فلسفی قدیمی است. قبلاً در دوران باستان، مورخ یونانی هرودوت^۴ مدعی بود که طرز فکر مصری‌ها با یونانی‌ها متفاوت است؛ زیرا کتاب‌هایشان را از راست به چپ می‌نویسند، در حالی که یونانی‌ها از چپ به راست می‌نویسند. بدین ترتیب، هرودوت این مفهوم را مطرح ساخت که ویژگی‌های فیزیکی رسانه‌ی مورد استفاده‌ی یک فرهنگ برای انجام فعالیت‌های بازنمایی خود، تعیین می‌کند که چگونه اعضای آن فرهنگ، دنیا را بفهمند. دیدگاه مشابهی هم به وسیله‌ی ابن خلدون بیان شد. ابن خلدون در یکی از آثارش اشاره کرد که تفاوت‌های

1. Social Trust

2. Varheim, Steinmo, and Ide

3. Cox et al

4. Herodotus (c. 484-425 BC)

ظریف رفتاری که بین چادر نشینان و بدوی‌های شهر نشین وجود دارد، به‌خاطر تفاوت‌های آنها در زبان و در چگونگی استفاده‌ی آنها از چنین تفاوت‌هایی برای بازنمایی واقعیت است. قرن‌ها بعد دیدگاه مشابهی به‌وسیله‌ی یوهان گوتفرد فون هردر^۱ فیلسوف، ویلهلم فون هومبولت^۲ لغت‌شناس، و گنورگ ویلهلم فردریش هگل^۳ فیلسوف دوباره مطرح شد. اندکی بعد مارتین هایدگر، با این ادعا نظرها را به خود جلب کرد که جامعه‌ی فناورانه زندگی انسان را از معنا محروم کرده است (دانسی^۴، ۱۳۸۷، ص ۳۳۶-۳۳۷). تأثیر بازنمایی نشانه‌های زبانی از طریق انواع رسانه‌ها بر رفتارهای فردی و گروهی بر کسی پوشیده نیست و متفکران زیادی در دهه‌های اخیر به نقد یا به بررسی فرصت‌های ایجاد شده از این طریق، پرداخته‌اند. با این وجود ساده‌انگارانه است که نتایج کنش نشانه‌ای رسانه‌ها را به‌خاطر نقش بر آب کردن اهداف به نظر شرافتمندانه‌تر زندگی مقصر شناخت؛ اهدافی که اگر با ممانعت رسانه‌ای مواجه نشود، با جدیت از سوی مردم دنبال خواهد شد. اما معلوم نیست (و هیچگاه معلوم نبوده) که در فهرست بازنمایی‌های رسانه‌ای چه چیزی در راستای اهداف شرافتمندانه و منزلت‌بخش است و چه چیزی باعث تحقیر عمومی می‌شود.

با به‌خاطر آوردن فرمول منتقدی چون مک‌لوهان^۵ مینی بر اینکه «رسانه پیام است» (مک‌لوهان، ۱۹۶۴) متوجه می‌شویم که پیامی که از طریق رسانه‌های گروهی ارسال می‌شوند، پیامی که رمزگشایی و به‌طور درونی و ناخودآگاهانه مصرف می‌شود، مفهوم آشکار اصوات، تصاویر، و نوشته‌ها نیست؛ بلکه این پیام، الگوی مقیدکننده‌ای از تفکیک واقعیت به نشانه‌های متوالی و معادل است. تحقیقات اخیر در حوزه‌ی رسانه‌ها بیشتر ناظر بر این حوزه است که محتوای رسانه‌ها دیگر فقط ارزش‌های فرهنگی را انعکاس نمی‌دهند، بلکه در عوض، عمدتاً این ارزش‌ها را شکل می‌دهند. برای مثال در رمان ۱۹۸۴ اثر جورج اورول، شکل‌دهی ارزش‌ها و واقعیات از طریق شخصیت «برادر بزرگتر» به‌وسیله‌ی دستگاه نمایشگری که ارزش‌های آنها را شکل می‌دهد، تصویر شده است. نظریه‌ی حاضر مبنی بر ساخت واقعیت از سوی رسانه‌ها، به تعبیری نظریه‌ی «تزریق زیر پوستی»^۶ نامیده شده است (دانسی، ۱۳۸۷، ص ۳۳۸). این نظریه

1. Johann Gottfried von Herder
3. George Wilhelm Friedrich Hegel
5. McLuhan

2. Wilhelm von Humboldt
4. Marcel Danes
6. hypodermic needle

مدعی است که رسانه‌ها قادرند همانند تأثیری که تزریق زیرپوستی بر بدن می‌گذارد، افکار را تحت تأثیر قرار دهند.

تأثیر رسانه‌ها در ساخت واقعیت اجتماعی مبتنی بر نظریه‌ی گفتمان است. طبق تعریف فوکو از گفتمان مبنی بر «احکامی که برخی گزاره‌های دیگر را توضیح می‌دهند» (میلز، ۱۳۸۲، ص ۱۵) فضای گفتمانی ایجاد شده در مناسبات قدرت است که باعث ایجاد یا تولید گزاره‌های جدید می‌گردد. معمولاً رسانه‌ها در ایجاد چنین فضایی مؤثرند. هر چه مردم بیشتر و بیشتر به انواع یکسانی از موسیقی در سراسر جهان گوش بدهند، انواع یکسانی از سبک‌های مد را ببینند، انواع یکسانی از برنامه‌های تلویزیونی را تماشا کنند، اظهارنظرهای یکسانی از یک واقعه یا پدیده بشنوند یا بخوانند، تمایل به ظهور یک «هم‌متن رسانه‌ای»^۱ (دانسی، ۱۳۸۷، ص ۳۴۱) در ابعاد ملی، منطقه‌ای یا جهانی قوی‌تر است. کارویژه رسانه‌ها ریشه در این فرض دارد که که در همه‌ی انسان‌ها، نیاز به معنا وجود دارد و همه‌ی انواع محصولات رسانه‌ای در راستای ایجاد سرمایه اجتماعی، بازنمایی‌هایی را فراهم می‌آورند که این نیاز به معنا را برآورده می‌سازند. هر چند این نیاز، انسان‌ها را به خلق برخی اشکال فرهنگی بی‌معنی (مانند مصرف‌گرایی) واداشته، اما در برخی مواقع دیگر نیز باعث خلق اسطوره‌ها، هنرها، مناسک، زبان‌ها، ریاضیات، علوم، و سایر موضوعات واقعاً مهم شده است (دانسی، ۱۳۸۷، ص ۳۴۸).

۳-۳-۱. کتاب و کتابخانه عمومی به مثابه رسانه

دیدگاه‌های موجود در مورد ارتباطات و رسانه‌ها، در طول پنجاه سال اخیر دستخوش تغییرات و دگرگونی‌های وسیعی شده و با پیشرفت‌های به‌دست آمده در این زمینه و توجه به عوامل و جنبه‌های گوناگون، بر وسعت و ظرافت تحقیقات این حوزه افزوده شده است.

توجه به «نظام‌های اجتماعی» به عنوان ساختارهای اجتماعی فعال نظیر خانواده یا اجتماع که اهداف، هنجارها، نقش‌ها، قدرت‌ها، مراتب اجتماعی، ضمانت اجرا، تسهیلات و قلمروهای خاص دارند، یکی دیگر از دیدگاه‌های مطرح شده در این حوزه است. در قالب این دیدگاه، رسانه‌های ارتباطی به عنوان فراگردی که از طریق آن اطلاعات، تصمیم‌ها و رهنمودها به نظام

اجتماعی منتقل می‌شوند و شناخت‌ها، عقاید و رفتارها شکل می‌گیرند و تغییر می‌کنند، تعریف می‌شود و در واقع مفهوم «نظام اجتماعی» ارتباط‌گران را به چگونگی همبستگی نزدیک ارتباط با سایر عناصر و فراگردهای جامعه آگاه می‌کند (محسنیان راد، ۱۳۶۹، ص ۱۵-۳۱).

رسانه‌های گروهی به واسطه هدایت رفتار اجتماعی به سمت الگوهای اجتماعی قابل قبول، نقش مهمی در جامعه بر عهده دارند. اما به طور دقیق، آن‌ها چگونه بر افراد تأثیر می‌گذارند؟ جامعه‌شناسان شیوه‌های تأثیر رسانه‌های گروهی بر افراد را در دو زمینه معرفی کرده‌اند: رویکرد شخصی و رویکرد فرهنگی. در رویکرد شخصی بر این که رسانه‌های گروهی تأثیری بسیار مستقیم بر افراد دارند، تأکید می‌شود. افراد نسبت به محرک‌ها (پیام‌ها)ی رسانه‌های گروهی واکنش نشان می‌دهند. برای نمونه، کودکی که برنامه تلویزیونی مشتمل بر خشونت را تماشا می‌کند، احتمالاً در دست زدن به اعمال پرخاشگرانه از آن برنامه تأثیر پذیرفته است. رویکرد فرهنگی به دنبال رویکرد شخصی مطرح می‌گردد. اما در جست‌وجو و تبیین فرهنگی، که در چارچوب آن رسانه‌های گروهی به وجود می‌آید و بر افراد تأثیر می‌گذارد، از رویکرد شخصی فراتر می‌رود. رسانه‌های گروهی به‌عنوان عواملی که برخوردار از تأثیر سریع بر روی افراد هستند، تلقی نمی‌شوند، بلکه به عکس آن‌ها دارای تأثیری بسیار کند بوده، فضای حاکم بر افکار عمومی و انتظارات مربوط به جامعه را افزایش می‌دهند (مور^۱، ۱۳۸۲، ص ۶۴).

بسیاری از تاریخ‌نویسان فرهنگ اصولاً معتقدند که فناوری چاپ و سواد چاپی برای تمدن‌های پیشرفته شرایطی بنیادی هستند. علیرغم اینکه شفاهی بودن قبل از نوشتار کارکردهای شناختی و اجتماعی سواد را انجام می‌داد ولی حتی فرهنگ‌های شفاهی برای بیان و ثبت ایده‌ها از نوشتار پیکتوگرافی (تصویرنگاری) استفاده می‌کردند (دانسی، ۱۳۸۷، ص ۹۸). گنجینه بزرگ کلمات نوشته شده در کتاب‌ها و رسانه‌های چاپی - که عقاید انسان‌ها را در سراسر دوران حفظ کرده است و اگر رمزهای مناسب زبان را بدانیم، می‌توانیم بدان‌ها دسترسی داشته باشیم - «سیستم حافظه چاپی» تمدن انسانی را تشکیل می‌دهد. اگر تمام کتاب‌های دنیا در یک شب از بین می‌رفت، تمدن انسانی در معرض خطر جدی قرار می‌گرفت (دانسی، ۱۳۸۷، ص ۹۷). مهمترین ویژگی رسانه، حامل نشانه بودن است و اینکه رسانه زمانی معنای ذاتی خویش را

1. Stephoen Moore

پیدا می‌کند که توانایی انتقال نشانه‌های برخاسته از ذهن انسان‌ها را داشته باشد. بدین ترتیب، پس از سنت شفاهی که به مثابه اولین رسانه انتقال پیام در تاریخ زندگی انسان مطرح بوده است، رسانه‌های نوشتاری از قبیل سنگ‌نوشته‌ها، الواح گلی، پاپیروسی، و پوستی به‌عنوان اولین رسانه‌های نوشتاری مطرح بوده‌اند. بدین طریق بود که انسان توانست به وسیله تصویرنگاری، اندیشه‌نگاری، واژه‌نگاری، آوانگاری، هجانویسی، و بالاخره الفبا بتواند اندیشه‌های شفاهی را از خطر نابودی و تحریف نجات بخشد و آن‌ها به عنوان اولین و ریشه‌دارترین رسانه انتقال پیام معرفی کند. سخن لرد بایرون با مضمون «شیرین است نام خود را در چاپ دیدن؛ کتاب کتاب است گو چیزی در آن نباشد» (دانسی، ۱۳۸۷، ص ۹۷) نشان از ریشه‌دار بودن این رسانه و تأثیر عمیق آن بر فرهنگ مردم است. پس از اختراع چاپ و تکثیر نشانه‌های نوشتاری از طریق حروف متحرک که به انقلاب کونتبرگی شهرت یافت، باعث شد که بنا به اظهارات مک لوهان، نظم نوین جهانی پا به عرصه‌ی وجود بگذارد (دانسی، ۱۳۸۷، ص ۱۷). بعد از قرن پانزدهم از طریق کتاب و سایر مصنوعات چاپی (روزنامه‌ها، جزوه‌ها، و غیره) کلمات نوشتاری، وسیله‌ی اصلی تبلیغ و ذخیره دانش و عقاید شد. دستگاه چاپ به صرف این واقعیت، نوآوری فناوریانه‌ای بود که باعث استقرار نظمی جهانی یا فرافرنهنگ مبتنی بر سواد چاپی شد زیرا عقاید به‌طور گسترده‌ای و تا مسافت‌ها انتشار می‌یافتند و از طریق رسانه‌ی کتاب مرزهای سیاسی را پشت سر می‌گذاشتند (و می‌گذارند). تا امروز، اشاعه دانش جدید از طریق چاپ بوده است (دانسی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۷).

اهمیت کتاب به عنوان رسانه‌ای تأثیرگذار بر رفتار فردی و گروهی، همانند سایر رسانه‌ها، بیشتر در ارتباط با مفهوم «اثرگذاری اجتماعی» تبلور می‌یابد. اثرگذاری اجتماعی مجموعه فراگردهای جامعه‌پذیری و به ویژه فشاری است که افراد از جانب سایرین در جامعه حس می‌کنند و این فشار باعث می‌شود تا رفتار آنها در جهت هم‌رنگی و متابعت از جامعه سوق داده شود و انسجام جامعه حفظ گردد (کازنو، ۱۳۶۴، ص ۷۱).

به‌طور مثال هنگام خواندن کتاب، شماری از دلالت‌ها را در می‌یابیم که با زبان متن وارد گفتگو شده تا افق‌های زبانی مشترکی با مولف پیدا کنیم. هرچه شباهت زبانی مشترکی میان خواننده و مؤلف کتاب که اساساً حاصل شباهت زمینه مشترک فرهنگی - اجتماعی است، بیشتر

باشد، معنا بهتر و بیشتر انتقال می‌یابد و یا هرچه نشانه‌های زبانی به کار گرفته شده توسط نویسنده اثر گذارتر باشد، خواننده، بیشتر اسیر زبان نوشتاری مؤلف می‌شود. مانند اینکه مؤلف متن از مقبولیت و مشروعیت بیشتری برای خواننده برخوردار باشد، و یا نشانه‌های زبانی بکار گرفته شده آشنا باشد، خواننده بیشتر در بازی زبانی نویسنده وارد شده و دیالوگ مؤثری صورت می‌گیرد. زبان مشترک میان خواننده و مؤلف، واقعیت اجتماعی به وجود آمده را درونی می‌کند. محمل‌هایی که کتابخانه‌های عمومی می‌توانند نشانه‌های خود را وارد فضای گفتمانی بین الازدھانی نمایند، از طریق کتاب، منابع چاپی دیگر مانند نشریات و منابع غیر چاپی دیگر است. کتاب مهمترین محملی است که نشانه‌ها را بخوبی انتقال می‌دهد.

معانی به یاری کتاب برای خواننده ساخته و دورنی می‌شود. رهبران تغییرات اجتماعی که ممکن است به سبب محدودیت تاریخی و یا مکانی، امکان گفتگو با کنشگران اجتماعی را نداشته باشند به یاری کتاب می‌توانند وارد حوزه عمومی شده و نظم زبانی موجود را بر هم زده و نظم نوینی فراهم آورند و از این طریق بر تحولات اجتماعی اثرگذار باشند.

بزرگ‌ترین امتیاز ادبیات این است که فاصله را به گونه‌ای کامل از میان بر می‌دارد؛ دنیای بیرونی و محدودیت‌های فیزیکی را حذف می‌کند و با روایت‌گری، ارتباط همگرایانه‌ای با خواننده برقرار، و معانی مورد نظر را القاء کرده و خواننده را اقناع می‌نماید.

رہیافت ساخت گرایانه در تلفیق رویکرد نشانه - معنا شناختی به نهادهای حوزه عمومی کمک می‌کند تا پیچیدگی عرصه عمومی را درک کرده و در جهت اثرگذاری مثبت، و نه کنترل و نظارت، اقدام نماید. از همین رو میزان اثر بخشی (و نه کارایی) نهادهای حوزه عمومی را باید در تغییر، تعدیل، و تثبیت شعور عمومی در زندگی روزمره دانست. نهادهایی که چنین سیاست‌های اثربخشی را دنبال می‌کنند نمی‌توانند با استفاده از رهیافت‌های اثبات‌گرایی، پیچیدگی حوزه عمومی را هدایت و در جهت آن برنامه‌ریزی کنند. دستاورد مهم رهیافت‌های تفسیری در مدل‌های برنامه‌ریزی و در شکل کلان آن در مدل‌های سیاست‌گذاری عمومی، نمود عملیاتی‌تری دارد. سیاست‌ها و یا استراتژی‌هایی که به‌نحو پیشینی و اندیشیده شده^۱ و از طریق مکانیسم رسمی اختیار از بالا به پایین، تدوین و اجرا می‌شوند عملاً رهیافت غیر

1. deliberative

تفسیری را دنبال می‌کنند (مینتزرگ و دیگران، ۱۳۸۴).

کتابخانه‌های عمومی به مثابه گنجینه‌های حافظه‌ی جمعی متشکل از کتاب‌ها و سایر منابع مضبوط، که بنا به کارکردهای تعریف شده آن شامل کارکردهای آموزشی، سیاست‌گذاری اجتماعی، اطلاع‌رسانی، فرهنگی، و اقتصادی (گرینهالک، ورپول، و لاندی، ۱۹۹۵)، به همهی مردم ارائه‌ی خدمت می‌کند و به عنوان یک نهاد اجتماعی مطرح است، وظیفه‌ای فراتر از امر اطلاع‌رسانی و آموزش دارد. کارکردهایی مانند سیاست‌گذاری اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی که در حیطه‌ی کارکردهای کتابخانه‌های عمومی تعریف شده است ناظر بر وظیفه اثرگذاری اجتماعی آن است. همانطور که قبلاً ذکر شد، اثرگذاری اجتماعی به منظور حفظ وحدت و یکپارچگی ملی و دستیابی به همدلی و اعتماد انجام می‌گیرد و ابزار اصلی آن رسانه‌های گروهی هستند. بنابراین کتابخانه‌های عمومی به‌عنوان حلقه‌ای از زنجیره‌ی رسانه‌های گروهی که متکفل امر اثرگذاری اجتماعی است، مطرح می‌شود. برای رسانه‌ها کارکردهایی نظیر کارکردهای فرهنگی، سیاسی، اطلاعاتی، و تفریحی قایل شده‌اند (مریجی، ۱۳۸۴، ص ۲۲) که کتابخانه‌های عمومی دارای همه‌ی این کارکردهاست. علیرغم ظرفیت‌های بالقوه و بالفعلی که کتابخانه‌های عمومی در بکارگیری آنها به مثابه یک رسانه دارند، اما این کارکردها بسیار مهم در حال فراموش شدن است. همانطور که مک‌لوهان اظهار داشت، سواد مبتنی بر کتاب، منبع مفهوم عینیت است. جوامع باسواد بر خلاف پیشینیان شفاهی خود، تمایل دارند دانش و عقاید را جدای از کسانی که آنها را ارسال می‌کنند، دریافت کنند. هنگامی که به سخنان کسی گوش می‌دهیم، قطعاً تحت تأثیر احساسات صدای انسانی، به صورت آشکار یا به شکل ناخودآگاه قرار می‌گیریم. در نتیجه برآنیم رابطه‌ی مستقیمی بین آن چه گوینده می‌گوید (= مفعول) و کسی که آنرا می‌گوید (= فاعل) برقرار سازیم. اما هنگامی که کتابی می‌خوانیم، تحت تأثیر صدای مؤلف قرار نمی‌گیریم. چیزی که ما هنگام خواندن دریافت می‌کنیم یک صفحه‌ی نوشته دارای گوشه، حاشیه و حروف کاملاً تعریف شده‌ای است که در ردیف‌ها یا ستون‌های منظم، سازمان یافته‌اند. این باعث می‌شود تا محتوای کتاب (= مفعول) را جدای از نویسنده‌اش (= فاعل) دریافت کنیم زیرا مؤلف در طول فرآیند خواندن حضور ندارد. مک‌لوهان نتیجه گرفت که این امر باعث برانگیختگی حالتی ذهنی به نام عینیت می‌شود که تمایل دارد فاعل (= سازنده‌ی بازنمایی) و

مفعول (=محتوای بازنمایی) را به صورت چیزهایی مجزا ببیند (دانسی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۵). پتانسیل کتاب به منظور بازنمایی نشانه‌هایی که بتواند تأثیر غیر مستقیم بر خوانندگان داشته باشد و کتابخانه‌های عمومی به مثابه نهادهایی که وظیفه اثرگذاری اجتماعی را در زنجیره‌ی رسانه‌های گروهی بر عهده دارند و مهمترین منبع حفظ منابع مضبوط عمده‌تأ کتابی محسوب می‌شوند، ما را به استفاده بهینه از این رسانه به منظور ایجاد یکپارچگی اجتماعی و حفظ هویت اسلامی - ملی فرامی‌خوانند.

۳-۴. کارویژه‌های کتابخانه‌های عمومی در ساخت واقعیت اجتماعی

با نگاهی به کارویژه‌های اجتماعی کتابخانه‌های عمومی و به‌ویژه کارویژه‌هایی که باعث ایجاد همدلی و ایجاد حس اعتماد میان شهروندان می‌شود و قبلاً ذکر آن گذشت (ورهیم، استینمو، و آید، ۲۰۰۸)، و با توجه به نقش کتابخانه‌های عمومی به‌مثابه یک رسانه در ساخت معنا، می‌توان کارویژه‌های اجتماعی را از این رویکرد به سه دسته‌ی زیر تقسیم کرد:

- کارویژه‌های مبتنی بر کارگزار یا عامل^۱

در کارویژه‌های مبتنی بر کارگزار یا عامل، بر نقش کتابداران و به‌ویژه کتابداران مرجع در کتابخانه‌های عمومی در انتقال و تولید معنا تأکید می‌شود. رشد، توسعه و پویایی هر موسسه یا سازمان مرهون نیروی انسانی است. مرکز ثقل و هسته‌ی فرایند توسعه، به عمل و اندیشیدن انسان استوار است، زیرا انسان است که با قدرت ذهنی و عقلی خود بطن طبیعت و جامعه را می‌کاود و با تلفیق پژوهش‌های نظری و عملی و درک قوانین حاکم بر پدیده‌ها، پایه علوم را بنیان می‌گذارد و با ابداع فنون گوناگون، موجبات افزایش و بهبود کمی و کیفی بهره‌وری کار را فراهم می‌آورد که منجر به هموارتر شدن راه تکامل می‌شود (هروات^۲، ۲۰۰۴، ص ۳۷۰-۳۷۵). بنابراین کارکنان هر مؤسسه و نهاد مانند کتابخانه‌های عمومی، مهمترین منبع آن به‌شمار می‌روند. کتابخانه فقط بسته به افرادی است که در کتابخانه با افکار، عملکرد، همکاری، و حمایت خود کار می‌کنند. کتابخانه نیازمند منابع گوناگونی است اما منابع انسانی در رأس همه‌ی منابع دیگر قرار دارد. به عنوان رهبر سازمان، کتابدار مسئولیت ویژه‌ای برای برنامه‌ریزی،

1. Agent base function

2. A. Harvat

سازماندهی و هدایت نیروهای کار دارد که بر اساس آن کتابخانه می‌تواند به اهداف خود دست یابد و به آنچه برایش با اهمیت است، جامه‌ی عمل بپوشاند. کنش کتابدار در کتابخانه به‌عنوان یک دانش‌شناس (ابرامی، ۱۳۷۹، ص ۱۰) مهمترین و بیشترین نقش را در سایر کارویژه‌های کتابخانه برای تولید معنا و ارزش در کتابخانه بازی می‌کند. خدمات فنی کتابخانه و امر اشاعه‌ی اطلاعات و نیز فضای کتابخانه‌های عمومی در حیطه‌ی عمل کتابداران قرار دارند و تحقق استفاده از پتانسیل فعالیت‌های حرفه‌ای - مانند مجموعه‌سازی، سازماندهی، و اشاعه اطلاعات - برای تولید معنا و ساخت واقعیت در جهت ایجاد سرمایه اجتماعی، و ایجاد سازه‌های مطلوبی چون هویت ملی، وحدت ملی، خودباوری و غیره مرهون کتابداران است. کتابداران کتابخانه‌های عمومی می‌بایست در کار مجموعه‌سازی کتابخانه‌ها، در راستای برنامه‌ی گزینش منابع اطلاعاتی (و نه ممیزی) دست به انتخاب منابعی برای کتابخانه بزنند که جامعه را به‌سوی حفظ یکپارچگی، وحدت، ارزش‌های بومی، و هویت ملی رهنمون گردد.

نمود تمامی فعالیت‌های کتابخانه در کارویژه‌ی اشاعه‌ی اطلاعات کتابخانه خلاصه می‌شود و در رأس این امر کتابدار مرجع قرار دارد. قهرمان کتابخانه، کتابدار مرجع است (کتز^۱، ۱۳۸۶، ص ۲۶). کتابدار مرجع اولین و شاید آخرین راهکار مراجعه‌کننده برای دریافت اطلاعات مناسب و به‌جا باشد. همین نکته است که نقش کتابدار مرجع را در تولید نشانه‌ها و معانی اخلاقی، ملی، و دانشی بسیار پررنگ می‌کند. با توجه به اهمیت نقش کتابدار و به‌ویژه کتابدار مرجع به عنوان مرجع برخورد و پاسخگویی به مراجعان، دانش، اخلاق، رفتار، و تفکرات او مستقیماً درگیر تولید معنا و نشانه در کتابخانه بوده و نقش به‌سزایی در الگوسازی و ارزش‌زایی در کتابخانه ایفا می‌کند. کنش کتابدار مرجع در هدایت کاربران به سوی منابع اطلاعاتی که علیرغم بعد اطلاعاتی و دانشی آنها، دارای کارویژه اجتماعی بوده و سازنده‌ی واقعیت‌های اجتماعی چون هویت، فرهنگ، اعتماد به نفس، و خودباوری باشند، کتابخانه‌های عمومی را به رسانه‌ای قوی که نشانه‌های مثبتی را به‌سوی مراجعان گسیل می‌دارد، تبدیل می‌نماید. شایستگی اخلاقی و رفتاری کتابدار و همسویی کنش رفتاری وی با کارویژه‌های اجتماعی رسانه‌ی درگیر با کار وی (یعنی کتابخانه) و نیز عدم تعارض کنش‌های رفتاری که (ناشی از سلاقی و طرز

1. William A. Katz

تفکرات اوست) با کنش‌هاش گفتاری (که ناشی از وظایف حرفه‌ای اوست) در تولید نشانه‌های مطلوبی که نقش رسانه‌ای کتابخانه‌های عمومی را در ساخت واقعیت اجتماعی تقویت می‌کند، مهمترین منشأ اثر خواهد بود. با توجه به نتایج تحقیقات مبنی بر نقش مؤثر کتابخانه‌های عمومی در ایجاد و حفظ سرمایه اجتماعی، که دلایل آن وجود فضایی فرهنگی، دانش‌مدار، آرام، و دور از هیاهوی زندگی مدرن که افراد در آن احساس امنیت و آرامش می‌کنند می‌باشد (ورهیم، استینمو، و آید، ۲۰۰۸)، نقش کتابداران در ایجاد و حفظ چنین فضایی برای ورود نشانه‌های تولید شده از رسانه‌ی کتابخانه برای ورود به حوزه عمومی بسیار چشمگیر است.

از سوی دیگر خلق واقعیت اجتماعی و تولید معنا و نگاه رسانه‌ای به کتابخانه‌های عمومی، با کردار اخلاقی کتابدار ارتباط پیدا می‌کند. کردار اخلاقی کتابداران و متخصصان اطلاع‌رسانی عبارتند از تصدیق ارزش‌های مهم خدمات‌دهی، و احترام به دیگران و ضرورت توسعه جامعه (رابین^۱، ۱۳۸۷، ص ۳۵۴). تعهدات اخلاقی بسیار پیچیده هستند، زیرا اساساً به پرسش‌های مبنایی درست و نادرست می‌پردازند. فرلیچ یک مدل ساده اخلاقی را پیشنهاد می‌کند که سه عنصر اساسی در اخلاق یعنی «خود»، «سازمان»، و «محیط» را نشان می‌دهد. «خود»، یک مأمور اخلاقی است، فردی که باید عمل کند یا از پیامدهای رفتار دیگران رنج ببرد؛ «سازمان» موسسه‌ای است که آن نیز یک مأمور اخلاقی و به‌طور خودمختار عمل کرده و به رفتار دیگران جهت می‌دهد؛ و «محیط» استانداردهای جامعه یا جوامع را در بر می‌گیرد و بافت اخلاقی‌ای که فرد و سازمان در آن کار می‌کنند را «خلق» می‌کند (رابین، ۱۳۸۷، ص ۳۵۷). مشاهده می‌شود که منشور اخلاقی کتابدار در سه دایره‌ی تو در تو قرار گرفته که بزرگ‌ترین دایره‌ی آن را جامعه، دایره‌ی میانی را سازمان، و دایره‌ی آخر را فرد تشکیل داده است. شکی نیست که ارزش‌های جامعه است که ارزش‌های فرد و سازمان را شکل و جهت می‌دهد (خانواده، مدرسه، ...، کتابخانه، و...) و جامعه است که با تولید معنا برای ارضای نیاز به معنای انسان‌ها، ارزش‌های ایجاد شده از طریق بسترهای زیربنایی خود را حفظ می‌نماید. بنابراین عمل اخلاقی کتابداری که در جامعه رشد کرده و با ارزش‌های آن نمو نموده و رشد یافته است، بخشی از عمل اخلاقی جامعه را تشکیل می‌دهد. کتابداران در منشور اخلاقی خود برای اتخاذ تصمیمات اخلاقی در کتابخانه‌ها

1. Richard Robin

چهار عامل را مدنظر قرار می‌دهند: ۱- استفاده‌ی اجتماعی، تداوم حیات، مسئولیت اجتماعی، و احترام به افراد (رابین، ۱۳۸۷، ص ۳۶۰). استفاده‌ی اجتماعی ناظر بر سودمندی عمل برای جامعه، تداوم حیات ناظر بر حرکت در سمت بقا و جاودانی کتابخانه، مسئولیت اجتماعی ناظر بر تعهد کتابدار به حفظ ارزش‌ها، هویت ملی، وحدت، و همدلی، و احترام به افراد ناظر بر تعهد کتابدار به حفظ حرمت انسانی و حقوق فردی مادی و معنوی مردم است. اگر چه مسئولیت اخلاقی کتابدار، وی را ملزم نگاه اجتماعی به کتابخانه و تولید و نشر معانی منطبق با ارزش‌های محیط به جامعه می‌کند، اما باید دانست نگاه رسانه‌ای به کتابخانه‌ی عمومی باید در کنار مابقی ارزش‌های اخلاقی موجودیت یافته و همراستا عمل کنند.

• کارویژه‌های مبتنی بر خط‌مشی^۱

در کارویژه‌های مبتنی بر خط‌مشی، بر وظایف نهادی حرفه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی چون مجموعه‌سازی، سازماندهی، و اشاعه‌ی اطلاعات تأکید می‌گردد. مهمترین کارویژه‌ی تأثیرگذار در حوزه‌ی خط‌مشی‌گذاری در کتابخانه‌های عمومی، تدوین خط‌مشی مجموعه‌سازی است و در این خط‌مشی می‌بایست اهداف اجتماعی کتابخانه در حفظ و گسترش هویت ملی، خودباوری، وحدت ملی و سایر سازه‌های مطلوب و نقش آن در خلق واقعیت و معنا به مثابه یک رسانه لحاظ گردد. در این راستا می‌توان خط‌مشی برای مجموعه‌سازی تدوین کرد که یکی از معیارهای مهم آن حفظ و گسترش سرمایه اجتماعی است که بر اساس آن منابعی وارد کتابخانه‌های عمومی شوند که در کنار سایر منابع مورد نیاز مراجعان، به تقویت حس خودباوری کمک کند. برای مثال در حوزه ادبیات و داستان، تأکید ویژه‌ای به ادبیات قهرمانی ایران در ادوار تاریخی مختلف شود و نیز داستان‌ها و اشعاری از حماسه‌های ملی و فرهنگی و آن دسته از آثاری که به تقویت سازه‌های مطلوبی چون هویت و وحدت ملی و خودباوری کمک می‌کنند مورد تأکید قرار گیرند. خط‌مشی سازماندهی اطلاعات نیز می‌بایست حاوی معانی‌ای از تقویت سازه‌های مطلوب باشد. از آنجا که نوع طبقه‌بندی دانش بر نوع نگاه انسان به جهان تأثیر می‌گذارد و در واقع دریچه‌ای برای نگرستن انسان به جهان و موجودات ایجاد می‌کند، خط‌مشی‌گذاری در این حوزه بر اساس تأکیدات ملی، حاوی نشانه‌هایی خواهد بود که نوع نگاه

1. Policy base function

مراجعان به جهان و مسائل پیرامون آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بدین جهت استفاده از فناوری‌ها و الگوهای بومی برای سازماندهی اطلاعات، تبعیت از یک نظام ملی بومی در سازماندهی اطلاعات در کنار تلاش برای حفظ یکپارچگی جریان اطلاعات می‌تواند در پیچه‌ای نو برای نگاه مراجعان به کتابخانه در مواجهه با دانش بشری ایجاد نماید. همچنین وجود خط‌مشی‌هایی که بتواند سایر فعالیت‌های سازماندهی نظام دانش را در جهت کارکردهای اجتماعی کتابخانه‌های عمومی به سمت تولید نشانه‌های فعال جهت ساخت سازه‌های مطلوب سوق دهد منشأ اثر خواهد بود. برای مثال، ارجاعات کتابشناختی در کتابخانه‌ها می‌توانند مراجعه‌کنندگان را به سمت منابع و اطلاعاتی سوق دهند که علیرغم اهداف اطلاعاتی، اهداف تولید معنایی چون وحدت ملی، هویت ملی، اجتناب از غربزدگی، حفظ هویت اسلامی - ملی و یکپارچگی و همدلی را از طریق نشانه‌های موجود در رسانه‌های مکتوب دنبال نماید.

خط‌مشی اشاعه اطلاعات، مهمترین کارکرد را در برطرف ساختن نیاز مراجعان به مصرف معنا را خواهد داشت. با توجه به اینکه کار اشاعه‌ی اطلاعات مستقیماً با تولید یا در دسترس گذاری یا تأکید بر انواع خاصی از اطلاعات درگیر است، می‌تواند نقشی اساسی در تولید نشانه‌های حاوی معنایی هویت ملی، خودباوری، اجتناب از غربزدگی و ... داشته باشد. سیاست‌های اشاعه اطلاعات می‌توانند حاوی تأکیدی برای در معرض دید قرار دادن یا در معرض مصرف قرار دادن اطلاعاتی باشند که به حفظ هویت ملی و سرمایه اجتماعی کمک می‌کنند. برای مثال سیاست‌های اشاعه‌ی گزینشی اطلاعات¹ در کتابخانه‌های عمومی می‌تواند دارای اولویت‌هایی برای اشاعه اطلاعات آماری یا غیر آماری در مورد موفقیت‌های ملی در عرصه‌های علمی، فرهنگی، اقتصادی، و اجتماعی باشد. همچنین می‌تواند حاوی تأکیدی برای برگزاری نمایشگاه‌ها، جلسات، سخنرانی‌ها، سمینارها، مسابقات کتابخوانی، و سایر فعالیت‌های فرهنگی که جنبه اشاعه دانش را در خود دارند باشد به‌نحوی که به پراکنش نشانه‌های حاوی معنایی در خور سازه‌های مطلوب باشد. سیاست‌های کلان حوزه اشاعه‌ی اطلاعات باید در راستای ایجاد نظام اطلاع‌رسانی ملی باشد که از طریق آن بتوان همه‌ی سیاست‌های اشاعه‌ی اطلاعات را یکدست نمود.

1. Selected Dissemination of Information (SDI)

• کارویژه‌های مبتنی فضا^۱

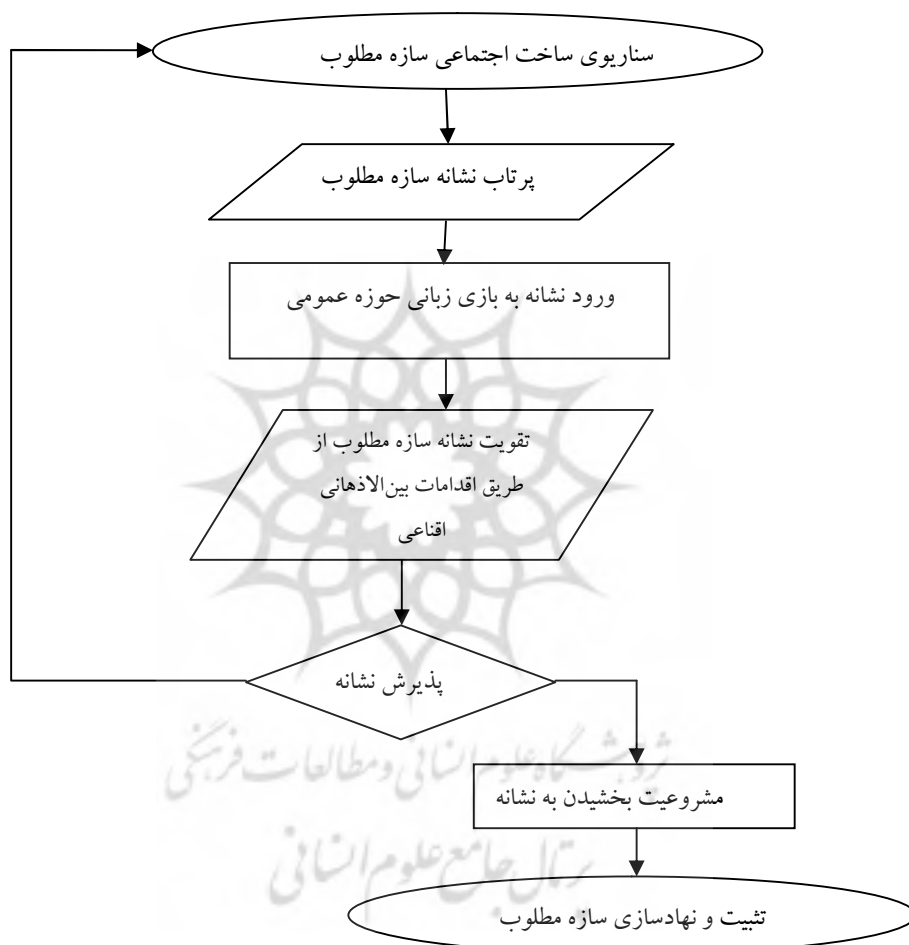
در کارویژه‌های مبتنی بر فضا به ساختمان کتابخانه از بُعد فیزیکی و نیز ایجاد شرایط مساعد برای شکل‌گیری و ایجاد معنا در کتابخانه‌ها تأکید می‌شود. ایجاد و حفظ فضایی فرهنگی، دانش‌مدار، آرام، و دور از هیاهوی زندگی مدرن که افراد در آن احساس امنیت و آرامش کنند، در جهت جذب مردم به سوی این رسانه‌های مردمی و مواجهه ساختن آنها با رسانه‌ی ریشه‌ای ولی مهجور واقع شده‌ای که برخلاف سایر رسانه‌های دیگر، آنها را به مصرف‌گرایی و تقلید کورکورانه از الگوهای ضد هویت ملی و ارزشی سوق نمی‌دهد، ضروری است. در طراحی ساختمان کتابخانه‌های عمومی، یکی از اصول مهم این است که این ساختمان باید در مرکز شهر یا محل زندگی مردم واقع شود، در دید باشد، زیبا و جاذب باشد و نباید ساختمان آن تحت‌الشعاع ساختمان‌های دیگر قرار گیرد و حداقل فاصله را از منازل مردم داشته باشد (پرتو، ۱۳۸۵، ص ۸۷-۱۳۶). چنین تأکیدی برای ایجاد حداکثر راحتی در استفاده از نور، جریان هوا، راحتی میزها و صندلی‌ها، فضاسازی دلچسب و گیرا، و موقعیت محلی و جغرافیایی کتابخانه در محل نشان از اهمیت آن به‌مثابه رسانه‌ای کاملاً اجتماعی است که کارویژه‌های آن در خدمت حفظ انسجام، سرمایه اجتماعی، هویت ملی، و ارزش‌های غایی است. کتابخانه عمومی طبق اصول حرفه کتابداری و اطلاع‌رسانی طوری ساخته می‌شود که از تمامی پتانسیل آن بتوان برای خلق معنا و واقعیت اجتماعی برای پاسخ به نیاز انسان‌ها به مصرف معنا را پاسخ دهد.

۳-۴-۱. حوزه‌ی عمومی و کتابخانه‌های عمومی

هابرماس مشخصاً در توضیح حوزه‌ی عمومی به قهوه‌خانه‌هایی اشاره می‌کند که مراکز اصلی مشارکت متعهدانه مردم در حوزه‌ی عمومی بودند. مردم یکدیگر را در آنجا می‌دیدند و به یکسان با دوستان و غریبه‌ها راجع به موضوعات مهم بحث می‌کردند. همچنین وی به رسانه‌های چاپی مانند کتاب و روزنامه اشاره می‌کند که در تسهیم دیدگاه‌های موجود نقش زیادی داشته‌اند (اسمیت^۲، ۱۳۸۳، ص ۸۴). آنچه که اهمیت بیشتری پیدا می‌کند رسانه‌های چاپی است. زیرا رسانه‌های چاپی، در اختیار عموم است و همه‌ی اقشار جامعه از آن بهره می‌برند.

1. Area base function

2. Philip Smith



نمودار ۲. فرایند سیاست‌گذاری مبتنی بر نشانه جهت ساخت سازه مطلوب

کتابخانه‌های عمومی ضمن فراهم‌آوری محمل‌های اطلاعاتی از قبیل رسانه‌های چاپی و غیرچاپی، مکان مطالعه و گفتگو و بحث عمومی را نیز فراهم می‌آورند و از حیث گردآوری دیدگاه‌های متکثر و متنوع، محلی مناسب جهت اشتراک ذهنی و زبانی عمومی به حساب می‌آیند. کتابخانه‌های عمومی با رهیافت امکان‌ایجاد فضای تضارب و تعاطی آراء و اندیشه‌ها می‌توانند ضمن ورود به حوزه‌ی عمومی و فضای کنش بین‌الذهانی، بر نشانه‌های متکثر و متنوع موجود در جهت خلق چشم‌انداز مطلوب خویش اثرگذار باشند.

اولین ارزش و رسالتی که برای کتابخانه‌های عمومی ذکر شده است، پشتیبانی از نیازهای آموزشی و اجتماعی جامعه می‌باشد (رابین، ۱۳۸۷، ص ۳۲۴). اگر چه کتابخانه‌های عمومی در بدو امر بر اساس نگرش وقف عام تأسیس شدند که کتابخانه‌های مساجد را نیز می‌توان در شمار آن قرار داد ولی در همان موقع نیز، اهداف اجتماعی از قبیل توسعه‌ی اجتماعی و کمک به ارتقا یافتن سطح سواد و دانش افراد کم درآمد وجود داشته است. برای مثال کتابداران نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم که سردمدار آنها ملویل دیویی بود، خود را «عاملان توسعه‌ی اجتماعی» می‌دانستند. علاوه بر این، هریس^۱ اهداف دیگری برای ایجاد کتابخانه‌های عمومی در آمریکا مطرح می‌سازد و آن اینکه توجه بنیانگذاران این کتابخانه‌ها کمتر افراد باسواد و آموزش دیده بوده است، بلکه بیشتر اجتماعی کردن موج انبوه مهاجرانی بوده که به بوستون سرازیر شده بودند (رابین، ۱۳۸۷، ص ۳۱۲). بنابراین می‌توان در کنار صرفاً عامه‌پسند و عامه‌خواه بودن کتابخانه‌ها در همه‌ی ملل و دول، اهداف اجتماعی و رسانه‌ای برای کتابخانه‌های عمومی قایل شد و نقش ساخت واقعیت اجتماعی در تولید معنا در راستای حفظ سرمایه اجتماعی، هویت بومی، و خودباوری اجتماعی را پررنگ‌تر مشاهده نمود.

۴. نتیجه‌گیری

می‌توان موقعیت استراتژیک^۲ نهادهایی را که علی‌الخصوص در شکل‌گیری و شکل‌دهی حوزه‌ی عمومی تأثیرگذار هستند مشروط به داشتن منظرگاهی تنوریک^۳ در خصوص تغییر اجتماعی دانست. با رهیافت تفسیری که عناصری را از ساخت‌گرایی اجتماعی، زبان‌شناسی

1. Michael Harris

2. strategic position

2. theoretical perspective

- اجتماعی، و تئوری انتقادی به همراه دارد، می‌توان گزاره‌های ذیل در خصوص تغییر زندگی روزمره و ساخت وضعیت مطلوب را چنین بیان کرد:
۱. تغییر اجتماعی خصوصاً در حوزه‌ی عمومی، رهیافتی پیچیده و غیرخطی است.
 ۲. تغییر اجتماعی در حوزه‌ی عمومی (که عمدتاً مرتبط با نهادهای فرهنگی، مؤسسات و احزابی است که به نوعی در فضای افکار عمومی تثبیت، بقا یا زوال می‌یابند) رهیافتی بالا به پایین و تک سویه نیست.
 ۳. تغییر حوزه‌ی عمومی فرایندی کنترل شده در شرایط آزمایشگاهی نیست. اما به معنی نفی سیاست‌گذاری و اثرگذاری در حوزه‌ی عمومی نیز نمی‌باشد.
 ۴. ساخت معنا و یا معنادگی^۱ در حوزه‌ی عمومی رسالت اصلی سیاست‌گذاری تغییر اجتماعی در زندگی روزمره‌ی عمومی است.
 ۵. حوزه‌ی عمومی با تکثر نشانه‌ها و تعدد تفاسیر مواجه است بدین معنا که بمباران نشانه‌ها در حوزه‌ی عمومی تنها با وجود یک چارچوب پیشینی و معنادار با زمینه و بافت اجتماعی که زبان اجتماعی آنرا تعیین می‌کند، پالایش شده و هدایت می‌شود.
 ۶. موقعیت استراتژیک که غایت اصلی برنامه‌ریزی استراتژیک است برای نهادهای فرهنگی (از جمله نهاد کتابخانه‌های عمومی) با تدوین برنامه‌ای جامع (از نوع تدوین برنامه‌ریزی سناریویی برای پیش‌بینی وضعیت‌های گوناگون) برای هدایت نشانه‌های پیشینی (پیش از کنش ارتباطی جهت برقراری تفاهم و نزدیک شدن افق‌های شناختی) و پسینی (پس از کنش ارتباطی و اشتراک نسبی افق‌های شناختی) ضرورتی انکارناپذیر برای اثرگذاری در حوزه‌ی عمومی جهت ساخت اجتماعی مطلوب است.
 ۷. ساخت پدیدارهای اجتماعی فرآیندی تعاملی است و به تدوین سناریوهای مختلف جهت اقدام دو سویه و پیش‌بینی کنش متقابل کنش‌گران اجتماعی بعد از پراکنش نشانه‌های هدایت شده در فضای بین‌الذهانی نیاز دارد.
- در این خصوص، همان‌طور که در نمودار ۲ تصویر شده است، نهادهای فرهنگی باید به ازای نشانه‌های پیشینی (از پیش طراحی شده) قبل از ورود به ارتباطات تفاهمی سناریوهای

1. sense making

مختلفی در خصوص واکنش متقابل عمومی را پیش‌بینی کرده و متقابلاً نشانه‌های پسینی (پس از ورود اولیه به گفتگو) را وارد ارتباطات متقابل کنند تا نتیجه مطلوب که ایجاد گفتگویی مشترک و توافق عمومی است، به تدریج ایجاد شود. ضمن اینکه ارتباطات متقابل فرایندی تدریجی تکمیلی و مشارکت عمومی را در بر دارد و عوارض مقاومت در برابر تغییر را کاهش می‌دهد.

منابع

- ابرامی، هوشنگ (۱۳۷۹). شناختی از دانش‌شناسی. تهران: کتابدار.
- اسمیت، فلیپ (۱۳۸۳). درآمدی بر نظریه فرهنگی. ترجمه حسن پویان، تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های بهاران.
- برگر، پیتر ال؛ لاکمن، توماس (۱۳۷۵). ساخت اجتماعی واقعیت (رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت). ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات علمی-فرهنگی.
- پرتو، بابک (۱۳۸۶). ساختمان و تجهیزات کتابخانه. تهران: کتابدار.
- تاج‌بخش، کیان؛ ثقفی، مراد؛ و کوهستانی نژاد، مسعود (۱۳۸۲). سرمایه اجتماعی و سیاست‌های اجتماعی (بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران امروز). رفاه اجتماعی، شماره ۱۰، ص ۱۵۵-۲۰۰.
- راین، ریچارد ای (۱۳۸۷). مبانی علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی. ترجمه مهدی خادیمان، تهران: کتابخانه رایانه‌ای.
- دانسی، مارسل (۱۳۸۷). نشانه‌شناسی رسانه‌ها. ترجمه گودرز میرانی و بهزاد دوران، تهران: چاپار: آنیسه‌نما.
- زیباکلام، سعید (۱۳۸۲). علم‌شناسی کوهن و نگرش گشتالی. فصلنامه حوزه و دانشگاه، شماره ۳۴، کازنو، ژان (۱۳۶۷). جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی، ترجمه باقر ساروخانی، دکتر منوچهر محسنی، انتشارات اطلاعات.
- _____ (۱۳۶۴). قدرت تلویزیون. ترجمه علی اسدی، تهران: امیرکبیر.
- کتابی، محمود و دیگران (۱۳۸۳). دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی فرهنگی. فصلنامه پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره ۱۰، ص ۱۶۹-۱۹۲.
- کتر، ویلیام ا. (۱۳۸۶). مرجع‌شناسی. ترجمه آیدین آذری، محسن عزیزی، و حمید محسنی، تهران: کتابدار.
- عموزاده مهدیرجی، محمد (۱۳۸۲). زبان، شناخت، و واقعیت. پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۱۴- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن. مترجم غلامعباس توسلی، تهران: انتشارات جامعه ایرانیان.
- محسنیان راد، مهدی (۱۳۶۹). ارتباط‌شناسی. تهران، سروش.

کتابخانه‌های عمومی و ساخت واقعیت اجتماعی

- میریجی، شمس‌الله (۱۳۸۴). رسانه‌های جمعی و نقش آنها در تحکیم و یا تضعیف ارزش‌ها. معرفت، ۹۱، ۳۴-۱۹.
- میرحسینی، زهره؛ و باب‌الحوادثی، فهیمه (۱۳۷۵). تصویری اجمالی از کتابخانه‌های عمومی در ایران. پیام کتابخانه، ۶(۱)، ص ۳۴-۴۷.
- میلز، سارا (۱۳۸۲). گفتمان. ترجمه فتاح محمدی. زنجان: نشر هزاره سوم.
- مینتربرگ، هنری، و دیگران (۱۳۸۴). جنگل استراتژی (کارآفرینی در قالب یک مکتب). ترجمه محمود احمدپور داریانی، پردیس ۵۷.
- مور، استفن (۱۳۸۲). بررسی جامعه شناختی رسانه‌های جمعی. ترجمه عبدالرسول یعقوبی، فصلنامه معرفت، شماره ۷۲، ص ۶۳-۶۹.
- موکهرجی، اجیت کمار (۱۳۸۲). تاریخ فلسفه کتابداری. ترجمه اسدالله آزاد، تهران: کتابدار.
- نوذری، حسین علی (۱۳۸۱). بازخوانی هابرماس، تهران، چشمه.
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۱). حوزه عمومی. ترجمه هاله لاجوردی، فصلنامه ارغنون، شماره ۲۰.
- هچ‌ماری، جو (۱۳۸۵). تئوری سازمان؛ مدرن، نمادین - تفسیری پست مدرن، ترجمه حسن دانايفرد، تهران، افکار.
- هوشیار، یاسمن (۱۳۸۳). تأثیر ویتگنشتاین متأخر بر نسبی‌گرایی در فلسفه علم. فصلنامه فلسفه دانشگاه تهران، شماره ۹.
- هولاب، رابرت (۱۳۷۵). یورگن هابرماس نقد در حوزه عمومی. ترجمه حسین بشریه، تهران، نی.

References

- Cox, E., Swinbourne, K., Pip, C. and Laing, S. (2000), "A safe place to go: libraries and social capital", University of Technology, the State Library of New South Wales, Sydney, available at: www.sl.nsw.gov.au/pls/publications/pdf/safe_place.pdf.
- Greenhalgh, L., Worpole, K. and Landry, C. (1995), Libraries in a World of Cultural Change, UCL Press, London.
- Greetz, Clifford (1977). *The interpretation of cultures*. New York: Basic book.
- Guba, Egon G. (1990). *The Paradigm Dialogue*. London: sage publication.
- Harvat, A. (2004). "Continuing Education in Cortia: Problems and Prospects". *New Library World*, 105(9). P.: 370-375.
- Mcluhan, M. (1964). *Understanding media*. London, Routledge&kegan Paul7.
- Joseph, J. E et al (2001). *Landmarks in linguistic thought II, the western tradition in the 20th century*, london, Routledge.
- The IFLA/Unesco Public Library Manifesto (1994). Retrieved 10 August 2007, from: <http://www.ifla.org/s8/unesco/eng.htm>.
- Umiker-Sebeok, J. (1997). The semiotic swarm of cyberspace: Cybergluttony and Internet addiction in the global village. [online], retrieved 5 October 2008 from: <http://www.slis.indiana.edu/faculty/umikerse/papers/cgsec1.html>.
- Varheim, A., Steinmo, S. And Ide, E. (2008). "Do libraries matter? Public libraries and the creation of social capital". *Journal of Documentation*. Vol. 64 No. 6, pp. 877-892

تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی

- Wittgenstein, L. (2009). Tractatus Logico-Philosophicus. Translation by C. K. Ogden. introduction by Bertrand Russell, New York: Cosimo Classics.
- Wittgenstein, L. (1953). Philosophical investigation. Oxford: Blackwell.
- Whorf, B. C. (1956). Language, thought, and reality: selected writings of Benjamin Lee Whorf. Massachussetts: the MIT press.

به این مقاله این گونه استناد کنید:

پارسازاده، احمد؛ شقاقی، مهدی (۱۳۸۸). کتابخانه‌های عمومی و ساخت واقعیت اجتماعی. تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی، ۱۵ (۴). ۲۹-۶۰.

